



«جهاد تبیین» در سیره امام رضا (علیه السلام)

مطالعه موردی: کتاب عیون اخبار الرضا

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱

یاسین پورعلی^۱، میثم بلباسی^۲، سیدحنیف رضازاده^۳

چکیده

«جهاد تبیین» به یکی از واژه‌های پریشامد در آثار تحلیل‌گران فرمایش‌های مقام معظم رهبری تبدیل شده است که ایشان در اربعین سال ۱۴۰۰ در دیدار با دانشجویان، «جهاد تبیین» را از وظایف آن‌ها برشمرده است. در همین زمینه، بررسی پشتوانه‌های دینی این کار ارزش‌والایی دارد؛ چراکه به آن صبغه دینی و شرعی مضاعف می‌دهد. جهاد تبیین برای دفع ایراد و اشکال از ساحت معارف اسلامی، به‌ویژه «احادیث» و برای حفظ دین از طعن مخالفان و معاندان از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است. با این رویکرد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که امام رضا (علیه السلام) چگونه و با استعانت از چه رویکرد و شیوه‌ای به تبیین «مشکل الحدیث»‌های اجدادشان می‌پرداختند؟ نوشتار پیش‌رو، ضمن بیان پشتوانه دینی کلیدواژه «جهاد تبیین»، به بررسی سیره امام رضا (علیه السلام) در محدوده کتاب عیون اخبار الرضا پرداخته است. طبق یافته‌های پژوهش که مبتنی بر روش «اسنادی» است، امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با تبیین مشکل الحدیث، با سه رویکرد «تبیینی»، «انکاری» و «تأویلی» مجاهدانه به تبیین احادیث مشکل اجداد طاهری‌نش پرداخته‌اند که این احادیث در سطح جامعه اسلامی، سبب شبهه و سؤال شده بود. هدف اصلی این پژوهش این است که نشان داده شود جهاد تبیین امر مقدسی است که مجاهدان اصلی این جهاد، ائمه طاهریین (علیهم السلام) هستند.

کلیدواژه‌ها: جهاد تبیین، امام رضا (علیه السلام)، مشکل الحدیث، عیون اخبار الرضا، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. دانش‌آموخته دکترای تخصصی نهج البلاغه و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): Pourali.y@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکترای مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران: Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران: S.Hanif68@yahoo.com

۱. مسئله پژوهش

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات اربعین سال ۱۴۰۰ در دیدار با دانشجویان به اهمیت مسئله «تبیین» پرداختند و از دانشجویان خواستند که به‌عنوان یک وظیفه در مقابل تحریف دشمنان، به تبیین حقایق پردازند و افکار صحیح را مجاهدانه در جامعه نشر دهند. مقام معظم رهبری از این کار به‌عنوان «جهاد» نام بردند که بلافاصله در مجامع علمی به «جهاد تبیین» شهرت پیدا کرد (خوش‌طینت، ۱۴۰۰: ۱۳). مقام معظم رهبری، «جهاد تبیین» را برگرفته از کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌دانند و در همین زمینه می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین از جمله چیزهایی که در وصیت معروف خودشان به حسنین (علیهم‌السلام) می‌فرمایند این است: «وَاللَّهَ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّبْتِ كُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ با السنه هم باید جهاد کرد؛ کسانی در این بخش هم می‌توانند واقعاً فعال باشند و جهاد کنند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰).

معظم‌له درباره چگونگی جهاد تبیین توسط ائمه (علیهم‌السلام) می‌فرمایند: «به غیر از حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین که با شمشیر جنگیدند، بقیه ائمه با شمشیر ننگیدند و جهادشان «جهاد تبیین» بود؛ مضمون حدیث شریف «أَحْيَاوَا مَرْنَا» دعوت به جهاد تبیین است» (همان).

عملیاتی شدن ارزش‌ها در جامعه، به بحث جهاد تبیین باز می‌گردد. تبیین نکردن حقایق و مسائل برای جامعه، موجب عدم گفتمان‌سازی و در نتیجه شکل‌گیری یک فتنه می‌شود. شکل‌گیری مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی، نیازمند تبیین است. عدم تبیین وقایع و مسائل، زمینه‌ساز نفوذ و تسلط دشمن بر اذهان مردم جامعه می‌شود. انبیای عظام الهی و اهل بیت، بهترین الگوهای جهاد تبیین هستند؛ چنانکه امام علی (علیه‌السلام) در دوران کوتاه حکومت خویش، همواره به تبیین و روشن‌گری پرداخت. حضرت زهرا (علیها‌السلام) نیز با مراجعه به خانه انصار و اصحاب و خطبه فدکیه در مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دیگر فعالیت‌های خویش، کوشید ولایت و امامت را برای جامعه تبیین کند. امام سجاد (علیه‌السلام)، حضرت زینب (علیها‌السلام)، حضرت ام‌کلتوم (علیها‌السلام) و حضرت سکینه (علیها‌السلام)، رسالت روشن‌گری و تبیین واقعه عاشورا را

به خوبی به انجام رساندند. عمار یاسر، صحابی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن چنان به تبیین و روشننگری مسائل اهمیت می داد که هر جا فتنه ای رخ می داد، خود را به آنجا می رساند و روشننگری می کرد (صلح میرزایی، ۱۴۰۱: ۲۷۱-۲۷۲).

آیت الله خامنه ای در همین راستا به نقش تبیینی بازماندگان حادثه کربلا بدین صورت اشاره می کنند: «این چهل روزی که از عاشورا تا اربعین اتفاق افتاده، یکی از مقاطع بسیار مهم تاریخ اسلام است. روز عاشورا در اوج اهمیت است و این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی تلوروز عاشوراست. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری؛ فدا کردن جان، فدا کردن عزیزان، فرزندان و یاران است، این چهل روز، اوج مجاهدت همراه با «تبیین»، همراه با افشاگری، همراه با توضیح است. اگر این چهل روز نمی بود، اگر حرکت عظیم زینب کبری (علیها السلام) و جناب ام کلثوم و حضرت سجاد (علیه السلام) نمی بود، شاید آن فقره «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ» اتفاق نمی افتاد. این حرکت عظیم، این صبر فوق العاده خاندان پیغمبر به پیشوایی زینب کبری (علیها السلام) و امام سجاد (علیه السلام) بود که توانست حادثه کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود» (خامنه ای، ۱۴۰۰).

در واقع، مبارزه سیاسی اهل بیت (علیهم السلام)، مبارزه تبیینی بوده، اگر چه گاه مبارزه مسلحانه نیز صورت گرفته است. رهبر معظم انقلاب در کتاب «همرزم حسین» نیز به این مطلب اشاره کرده اند که تمامی اهل بیت هم‌رزم اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بودند؛ اما نوع میدان جنگ هایشان متفاوت بود. جهاد تبیین محدوده خاصی ندارد و حتی معیشت مردم نیز به آن مرتبط است. حضرت آیت الله خامنه ای دو جریان تحریم و تحریف را هم عرض با یکدیگر می دانند و معتقدند شکست جریان تحریف، موجب شکست جریان تحریم خواهد شد؛ زیرا دشمن با تحریف واقعیت‌ها توانسته است تحریم‌ها را به جایی برساند که اثر منفی آن بر جامعه بسیار مشهود باشد. از این رو جهاد تبیین، در واقع نوعی مقابله با تحریف‌ها و شکست تحریم‌هاست (صلح میرزایی، ۱۴۰۱: ۲۷۰).

بنابراین، از وظایف اصلی انبیا و ائمه (علیهم السلام) روشننگری و تبیین حقایق است. خداوند متعال

در سوره نحل دو بار پیامبر خود ﷺ را مخاطب قرار داده و فرموده است که وظیفه پیامبر خدا ﷺ «تبیین» است (نحل، ۴۴ و ۶۴).^۱ در زیارت جامعه کبیره یکی از شئون معصومان علیهم السلام «تبیین فرایض»^۲ شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۱۲). در این باره، ائمه اطهار علیهم السلام از شیعیانی که به تبیین حقایق می پرداختند، تجلیل کرده اند. هشام بن حکم به خاطر تبیین گری خود در میان اصحاب امام صادق علیه السلام از جایگاه والایی برخوردار بود تا حدی که منزلت وی پیش امام صادق علیه السلام موجب شگفتی اصحاب را فراهم می کرد. برای نمونه، روزی هشام بن حکم در سنین نوجوانی در منی به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شد. در کنار حضرت، بزرگان شیعه همانند حمران بن اعین و قیس ماصر و یونس بن یعقوب و ابوجعفر احول و... حضور داشتند. امام صادق علیه السلام، هشام بن حکم را بر دیگران مقدم کرد. امام وقتی دریافت که این مسئله به اصحاب گران تمام شد، فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این با قلب و زبان و دستش یاری کننده ماست» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۲).

با این تفاسیر، به علت نوظهور بودن ترکیب واژه «جهاد تبیین» هنوز کارهای پژوهشی به خصوص در زمینه بررسی این مطلب در سیره اهل بیت علیهم السلام انجام نشده است. ناگفته نماند که تا حدودی نشست علمی و مصاحبه در این زمینه برگزار شده است. این پژوهش در صدد است نشان دهد که فرمایش رهبری از پشتوانه دینی قوی برخوردار است و در این زمینه به بررسی تبیین های روایی امام رضا علیه السلام در کتاب عیون اخبار الرضا پرداخته است؛ بدین معنا که امام رضا علیه السلام چگونه در این کتاب به تبیین «مشکل الحدیث» پرداخته است؛ زیرا یکی از مهم ترین حوزه ها در معارف اسلامی، موضوع «مشکل الحدیث» است که اگر به درستی تبیین نشود، منجر به عدم فهم، فهم ناقص یا فهم غلط از معارف اسلامی می شود. همچنین به محملی برای مسموم کردن افکار مسلمانان، ایجاد شبهه و فتنه تبدیل خواهد شد. پس برای دفع ایراد و اشکال از ساحت احادیث و حفظ دین از طعن مخالفان و معاندان، از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

۱. بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴) وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا تَبْيِينًا لِّمَنْ أَلْفَلَحُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۴).
 ۲. بَيِّنْتُمْ فَرَائِضَهُ

۱-۱. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، نظری و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، «اسنادی» است. روش اسنادی روشی کیفی است با محوریت جست‌وجوی توصیفی و تفسیری که پژوهشگر تلاش می‌کند با استفاده از نظام‌مند و منظم از منابع و داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام کند (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۹-۸۷).

۲-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقاتی که درباره موضوع این پژوهش انجام گرفته در سه دسته قابل دسته‌بندی است. برخی از مهم‌ترین تحقیقات هر یک از این دسته‌های پژوهشی، به این شرح است:

۱-۲-۱. مطالعات مبتنی بر موضوع «جهاد تبیین»

جمشیدی حسن‌آبادی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی ابعاد فقهی جهاد تبیین در برابر جنگ شناختی»: «بر این باور است که جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری، خواه نظامی، اقتصادی، سیاسی و تبیینی همه را در بر می‌گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش، جهاد تبیین از مهم‌ترین جهادهای عصر حاضر است که به‌نوعی هم جهاد آفندی و هم جهاد پدافندی محسوب می‌شود. در جهاد تبیین الزاماتی مانند اعتقادات و باورها، ارزش‌های فکری و فرهنگی و بصیرت و عناصری همچون برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری، ارتباطات گسترده و فزاینده و فراگیر، سازمان‌دهی از پیش تعیین شده، طراحی‌های جدید لازم است. جهاد تبیین باید بر اساس نظام ارزشی مبتنی بر انقلاب اسلامی و تصمیم‌گیری‌های بایسته و به‌موقع و انگیزه‌هایی الهی باشد تا در پیشبرد و تثبیت دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی نقش خود را ایفا کند.

صلح میرزایی (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «جهاد تبیین»، با رویکردی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به معنای جهاد تبیین و جنگ روایت‌ها پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، «تبیین» مهم‌ترین عرصه جهاد است که نمود بارز آن را در مبارزه تبیینی اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌توان یافت. نویسنده همچنین از امام خمینی (ره) به‌عنوان الگوی تبیین و روشنگری نام می‌برد که در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی دست به تبیین و افشاگری علیه حکومت پهلوی زد. در ادامه به الزامات جهاد تبیین، موضوعات نیازمند تبیین و وظایف ما در جهاد تبیین پرداخته شده است.

مقاله «جهاد تبیین؛ چیستی، چرایی، الزامات»؛ به‌خامه خوش‌طینت (۱۴۰۰)، در ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه جهاد و تبیین می‌پردازد و در ادامه در پاسخ به چرایی جهاد تبیین به عواملی همچون: مقابله با عملیات روانی دشمن، مقابله با تحریف و بصیرت‌افزایی اشاره می‌کند. طبق یافته‌های این تحقیق، فهم صحیح نقشه دشمن، حرکت بر مدار حق، تبیین هنرمندانه، پرهیز از روش‌های غیراخلاقی، محور قرار دادن اصول انقلاب اسلامی، ارتقای سواد رسانه‌ای و راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات از الزامات جهاد تبیین محسوب می‌شود.

۱-۲-۲. مطالعات مبتنی بر موضوع «مشکل الحدیث»

پورعلی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «درآمدی بر فهم احادیث مشکل اعتقادی با مطالعه موردی در احادیث علوی»، معتقدند حدیثی که مفهوم ظاهری آن شامل مطالب پیچیده یا ناسازگار با یافته‌های پیشین باشد مشکل الحدیث نامیده می‌شود. دامنه این‌گونه احادیث را می‌توان در تمام حوزه‌های معرفتی و به‌صورت گسترده در موضوعات اعتقادی و کلامی ملاحظه کرد؛ از علل پربسامدی مشکل الحدیث‌های اعتقادی می‌توان به گستردگی معارف اعتقادی، شیوه‌های متعدد صدور این دسته از معارف و مبارزه با عقاید منحرف اشاره کرد. این پژوهش به قاعده‌مند کردن تلاش محدثان پرداخته و نشان داده است که به‌کارگیری معارف عقلی در تبیین احادیث توحیدی نقش مهمی را ایفا می‌کند. «زمینه‌های پدید آمدن حدیث مشکل»؛ عنوان نوشتاری است به‌خامه طباطبایی (۱۴۰۰)

که در آن معتقد است فهم احادیث مشکل و دست‌یابی به مراد معصومان، نیازمند سازوکاری منطقی و علمی است که اولین مرحله آن آگاهی از زمینه‌های پدید آمدن مشکل و سپس پیگیری حل دشواری‌های حدیث است. مقاله مذکور با استقصای روایات مشکل در مجموعه منابع حدیثی شیعه و سنی ۱۲ زمینه پدید آمدن مشکل الحدیث را با این عناوین مطرح کاویده و به حوزه‌های مربوط ارجاع داده است: ۱. آسیب‌های دامن‌گیر، ۲. غرابت واژه، ۳. چندمعنایی واژه، ۴. وجود اصطلاح، ۵. پیچیدگی یا ابهام ساختار، ۶. بیان مجازی، ۷. جدا افتادن از قرینه‌ها، ۸. اسباب ورود حدیث، ۹. والایی محتوا، ۱۰. تخصصی بودن روایت، ۱۱. اختلاف و ناسازگاری درونی، ۱۲. تعارض و ناسازگاری بیرونی.

مسعودی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «علامه شبر و دو رویکرد ثبوتی و اثباتی در حل مشکلات اخبار»؛ شبهه‌زدایی از آموزه‌های دین را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند. طبق یافته‌های پژوهش، شبهه‌زدایی از احادیث می‌تواند با رویکرد ثبوتی یا اثباتی انجام شود. رویکرد ثبوتی ناظر به مقام ثبوت یعنی واقع امر و حقیقت حال مورد پژوهش است؛ در حالی که در رویکرد اثباتی تنها دغدغه کاربرد نتایج آن وجود دارد. علامه شبر از دانشمندانی است که از هر دو رویکرد در حل مشکلات اخبار بهره برده است. روش ایشان با دو رویکرد مذکور، موضوعی است که در این مقاله بررسی شده است.

۱-۲-۳. مطالعات مبتنی بر موضوع «جهاد تبیین در سیره امام رضا (علیه السلام)»

بنا بر یافته‌های مقاله خرقانی و محقق گرفمی (۱۴۰۱) با عنوان «روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی»؛ برخی از روش‌هایی که امام رضا (علیه السلام) در پاسخگویی به شبهات از آن‌ها بهره می‌گرفتند، عبارت است از: استناد به قرآن مجید و سنت نبوی، توجه به خاستگاه‌ها و علت‌های ایجاد شبهه، بهره‌مندی از برهان‌های معقولیت، خُلف و سَبر و تقسیم، توسعه روش‌شناختی، ابطال لازمه‌های نادرست شبهه، استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب، محسوس‌سازی معقولات، تبیین صحیح مفاهیم و انگاره‌های شبهه و بهره‌گیری از تاریخ صحیح.

ابراهیمی و محمدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به «آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام رضا (علیه السلام)»؛ پرداختند. بر اساس یافته‌ها، آسیب‌های مناظره به دو صورت کلی است: آسیب‌های علمی شامل مغالطه در بحث، تکیه بر اصول غیرمشترک، نداشتن نظم و ساختار در بحث و... و آسیب‌های اخلاقی شامل عدول از انصاف، تعصب و تقلید، ارزیابی شخصیت طرف و... نتایج پژوهش نشان داد امام رضا (علیه السلام) با رعایت اصول مناظره و دوری جستن از آسیب‌های آن، روند مناظره را طی کرده و سعی در هدایت و روشنگری مخاطبان داشته‌اند و همیشه نیز در میدان مناظرات پیروز می‌شدند.

«تحلیل محتوای روایات امام رضا (علیه السلام) در باب توحید با محوریت کتاب عیون اخبار الرضا» عنوان مقاله‌ای است به‌خامه میرغفوریان و بشیر (۱۴۰۰) که در آن تلاش شده است روایات امام رضا (علیه السلام) در موضوع توحید از کتاب عیون بررسی شود تا آشکار گردد جهت‌گیری امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سؤالات توحیدی مبتنی بر چه اصولی بوده و در تبیین و اثبات توحید چه مسیری را پیموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امام رضا (علیه السلام) هم‌زمان با تشویق افراد به شناخت خداوند و تبیین امکان، اهمیت، ابزارها، عوامل و مبنای اصلی شناخت، با دو جهت‌گیری مهم به تبیین توحید می‌پردازد: ۱. معرفی صفات نقص در انسان و نفی آن از خداوند متعال که در این بخش تمرکز امام رضا (علیه السلام) بر نفی تجسیم و رؤیت خداوند و جبر و تفویض است. ۲. معرفی اسماء الهی و تفاوت آن با صفات کمالی در انسان و در این بخش امام رضا (علیه السلام) ضمن معرفی اسماء الله و تبیین آن، سه ویژگی علم، اراده و قدرت درباره خداوند متعال را مورد تأکید و تبیین خود قرار داده است.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت از یک‌سو پژوهش‌های فراوانی به‌صورت مجزا در حوزه «مشکل الحدیث» وجود دارد و از سوی دیگر به علت نوظهور بودن ترکیب واژه «جهاد تبیین» هنوز آثار پژوهشی به‌خصوص در زمینه بررسی این مطلب در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌طور عام و امام رضا (علیه السلام) به‌طور خاص، انجام نشده است؛ بنابراین، به‌ضرس قاطع می‌توان گفت که با رویکرد «جهاد تبیین» در حوزه «مشکل الحدیث» هیچ مقاله علمی پژوهشی تاکنون در سیره امام رضا (علیه السلام) منتشر نشده است. این پژوهش به دنبال پُر کردن بخشی از این خلأ علمی و تحقیقاتی است.

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

۱-۲. مفهوم «جهاد»

جهاد واژه‌ای عربی (به معنای مبارزه) است. این واژه در جوامع اسلامی و غربی نیز واژه‌ای پر حاشیه است و در سطوح مختلف سیاست در این جوامع نقش حیاتی دارد. «جهاد» اغلب در رسانه‌های غربی به‌عنوان جنگ مقدس تعبیر می‌شود؛ اما کلمه اصلی عربی «جهاد» به معنای تلاش و کوشش و مجاهدت است. جهاد در راه خدا در زمینه دینی ممکن است بیانگر مبارزه با تمایلات شیطنانی یا تلاش برای اسلام باشد (Huzen, 2008: 1).

توسل به اجبار و مبارزه در اسلام با عناوین متفاوتی مطرح شده است. قرآن گهگاه به مفهوم «جنگ» (حرب) اشاره می‌کند، در عین حال به «مبارزه» (قتال) نیز اشاره و حتی بیشتر به مفاهیم «مبارزه» یا مجاهدت اشاره می‌کند (جهاد و مجاهدت). از نظر فنی، جهاد به معنای «مبارزه» است و به جنگ علیه غیرمسلمانان اشاره دارد؛ یعنی استفاده از نیروی نظامی تنها یک بُعد از جهاد را نشان می‌دهد؛ زیرا مفهوم جهاد نه تنها بر نیروی محض دلالت دارد، بلکه به بحث و متقاعد کردن از طریق گفت‌وگو نیز اشاره دارد (Bakircioglu, 2010: 423).

مجید خدوری، یکی از متکلمان معتبر اسلام در اثر مهم خود، جنگ و صلح در شریعت اسلام، مفهوم جهاد را چنین تعریف می‌کند: «اصطلاح جهاد ... معنای فقهی کلامی آن، اعمال قدرت در راه خداست؛ یعنی گسترش ایمان به خدا و تعالی کلام او بر دنیا ... جهاد در معنای وسیع تلاش، لزوماً به معنای جنگ یا مبارزه نیست، زیرا تلاش در راه خدا ممکن است از راه‌های مسالمت‌آمیز و نیز از راه‌های غیر خشونت‌آمیز حاصل شود. جهاد را می‌توان نوعی تبلیغ دینی دانست که می‌تواند با اقناع یا شمشیر انجام شود» (Khadduri, 1955: 55-56).

بنابراین، مفهوم «اعمال قدرت برای خدا»، درهایی را به روی گزینه‌های مختلف درباره آنچه ممکن است تشکیل‌دهنده جهاد باشد باز می‌کند. علمای اسلام معمولاً بین چهار

راه مجزای جهاد فرق می‌گذارند: (۱) جهاد با شمشیر: جنگیدن در راه خدا با ستمگران و کافران. (۲) جهاد قلبی: تطهیر نفس و مقاومت در برابر گناه. (۳) جهاد زبان (جهاد تبیین): تبلیغ مسالمت‌آمیز پیام‌های اسلامی. (۴) جهاد با دست: مبارزه با شر از طریق اعمال صالح؛ بنابراین، جهاد صرفاً به مبارزه بیرونی با دشمنان اسلام و بت‌پرستان اشاره نمی‌کند، بلکه به مبارزه درونی با وسوسه و بدی (نفس) برای مسلمان شدن بهتر نیز اشاره دارد (Bakircioglu, 2010 :424 ; Aboul-Enein & Zuhur, 2004 :5-6).

چگونگی تفسیر مفهوم «جهاد» واقعاً مهم است. در این زمینه، تأثیر حوادث تاریخی از زمان ظهور اسلام تاکنون نقش بسزایی داشته است. بنابراین، بررسی پدیده جهاد منحصرأز منظر دینی، بدون در نظر گرفتن عوامل دخیل سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی، به معنای نادیده گرفتن یک فعالیت انسانی از واقعیت چندوجهی آن است.

۲-۲. مفهوم «تبیین»

«تبیین» در فرهنگ لغت دهخدا، در معنای شناختن، هویدا شدن، پیدا گشتن و آشکار کردن آمده است. تبیین به معنای بیان حقایق است که البته به کنشگران و فعالان انقلابی نیاز دارد (خوش‌طینت، ۱۴۰۰: ۱۴). واژه تبیین در بسیاری از آیات قرآن کریم به معنای ظهور و وضوح آمده است؛ بنابراین «بینه» به چیزی گفته می‌شود که دلیل روشن و آشکاری است، خواه عقلی باشد یا محسوس. در نقطه مقابل تبیین کلماتی مانند تحریف، ابهام‌افکنی، کتمان حقیقت، پنهان‌سازی و منحرف کردن قرار دارد. این کلمات در جنگ شناختی و نبرد روایت‌ها در رسانه‌های دشمن بسیار پرکاربرد هستند. جهاد تبیین در دو وجه ضرورت می‌یابد: یکی بر اساس معنای خاص جهاد یعنی تقابل و مبارزه با دشمن و دیگری بر حسب معنای عام آن؛ یعنی جهاد برای تبیین حقیقت. جهاد تبیین در واقع، پاسخگویی به چرایی، چیستی و چگونگی مسائل کلان و بنیادین نظام اسلامی است (پورعلی، ۱۴۰۱: ۱۶).

۲-۳. مفهوم «جهاد تبیین»

این ترکیب، از واژه‌های نوظهور است و سابقه تعریف توسط اندیشمندان را ندارد ولی بعد از ظهورش، بدین صورت تعریف کرده‌اند که جهاد تبیین به معنای «کشف و بیان حقایق در مقابل ابهام‌آفرینی و پرده‌پوشی و پرده‌افکنی بر روی حقایق توسط دشمنان آن هم با رویکرد انقلابی و تحول‌خواهانه از نظر کمی و کیفی با در نظر گرفتن سرعت، قدرت و دقت عملیاتی متفاوت از قبل» است (خوش‌طینت، ۱۴۰۰: ۱۴). «جهاد تبیین» مقوله و شاکله‌ای مهم از قدرت نرم است که البته لوازم بسیار جدی دارد. مهم‌ترین لوازم قدرت نرم در قالب «جهاد تبیین» توجه به عنصر اخلاق، سخن متین، عقلانیت کامل، بصیرت و استدلال است و پرهیز از روش‌های دشنام، تهمت، فریب و دروغ در فضای واقعی و مجازی، مطبوعات، رسانه‌ها و مقالات که افکار عمومی را ملتهب می‌کند. جهاد تبیین مبتنی بر سخن متین، مبتنی بر زینت عاطفه و عواطف انسانی و مبتنی بر نگاه و رویکرد اخلاقی و رفتاری است (جمشیدی حسن‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

۲-۴. مفهوم «مشکل الحدیث»

واژه مشکل از نظر لغوی، اسم فاعل از مصدر «اشکال» به معنای التباس است؛ یعنی چیزی که لباس دیگری را بر تن پوشیده باشد. از نظر اصطلاحی، به آن دسته از روایات که پیچیده، مبهم و دیرباب هستند، «روایات مشکل» و به دانشی که به چگونگی دست‌یابی به معنا و مفهوم صحیح و اصلی این روایات می‌پردازد، دانش «مشکل الحدیث» گفته می‌شود. حدیث مشکل را از این جهت مشکل می‌خوانند که دشواری در فهم دارد؛ یعنی امری مشتبه یا مختلط است که امکان دارد مفهوم اصلی روایت با مفهوم دیگری اشتباه شود؛ بنابراین، فهم معنای آن با گونه‌ای از ابهام (۱). آسیب‌های دامن‌گیر، ۲. غرابت واژه، ۳. چندمعنایی واژه، ۴. وجود اصطلاح، ۵. پیچیدگی یا ابهام ساختار، ۶. بیان مجازی، ۷. جدا افتادن از قرینه‌ها، ۸. اسباب ورود حدیث، ۹. والایی محتوا، ۱۰. تخصصی بودن روایت، ۱۱. اختلاف و ناسازگاری درونی، ۱۲. تعارض و ناسازگاری بیرونی) روبه‌روست که فهم

کلام معصوم را دشوار می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۶۹، ۱۳۹۸)؛ بنابراین، حدیث مشکل، حدیثی است که مفهوم ظاهری ارائه‌شده شامل مطالب پیچیده‌ای باشد و مخاطب آن را دریابد یا با یافته‌های پیشین، ناسازگار می‌نماید.

در نتیجه، برای دستیابی به بهترین تعریف از «مشکل الحدیث» بهتر است دو تعریف برای «مشکل الحدیث» در نظر بگیریم؛ تعریف عام و تعریف خاص. تعریف خاص «مشکل الحدیث» همان است که طحاوی و آیت‌الله سبحانی ارائه کرده‌اند و در آن تنها احادیث مبهم و پیچیده مراد است؛ در حالی که در تعریف عام، افزون بر احادیث مبهم و پیچیده، مواردی همچون «غریب الحدیث» و «اختلاف الحدیث» نیز وارد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین فایده‌ای که می‌توان برای این علم یاد کرد، دفع ایراد و اشکال از ساحت احادیث و حفظ دین از طعن مخالفان و معاندان است؛ اما باید گفت فایده‌های مشکل الحدیث منحصر به فایده مذکور نیست؛ بلکه این علم از جهت عدم انحصار آن به شاخه خاصی از علوم اسلامی و شمولیت آن بر فقه و عقاید و تفسیر و... و نیز امکان دستیابی مجتهد به اسباب اختلاف حدیث و همچنین جلوگیری از تزییع حدیث از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (مسعودی، ۱۳۸۹: ۸۶).

۲-۵. امامان معصوم علیهم‌السلام به مثابه مجاهدان تبیین «قرآن» و «سنت»

با توجه به نقش هدایتگری ائمه و رسالت ایشان در تبیین قرآن و سنت، در واقع، ائمه علیهم‌السلام پیشتاز و مجاهدان تبیین بوده‌اند و در کنار تفسیر قرآن به تفسیر مشکلات سنت نبوی و احادیث اجداد خویش می‌پرداختند. نمونه‌های بسیاری به دست ما رسیده که شاهد عینی مدعاست. به‌عنوان نمونه از امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «موی سپید خود را تغییر دهید و خود را شبیه یهود ننمایید» سوال شد، آن حضرت فرمود: پیامبر این سخن را وقتی فرمود که شمار اهل دین اندک بود، اما امروز که سفره اسلام گسترده شده و استوار و پابرجا گشته، مرد است و اختیارش» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: قصار ۱۷).

در این حدیث امیرالمؤمنین با واکاوی حقایق عصر رسالت و اینکه مسلمانان از حیث تعداد در اقلیت بودند، به حل روایت نبوی پرداختند. این روایت بیانگر موقتی بودن بعضی از احکام است که بنا به مصلحتی شارع مقدس حکمی را موقت انشأ می‌کند و با از بین رفتن موضوع، حکم هم به تبع آن از بین می‌رود.

شهید مطهری به جنبه دیگری از این حدیث پرداخته که امیرمؤمنان (علیه السلام) با تبیین‌گری خاص خود به فنون جنگی پیامبر ﷺ اشاره کرده است. ایشان در توضیح این روایت می‌فرماید: علی (علیه السلام) خودش این حدیث را روایت می‌کرد ولی عمل نمی‌کرد، یعنی خودش رنگ نمی‌بست و خضاب می‌کرد. علی (علیه السلام) فرمود: این دستور، مخصوص زمان پیغمبر است؛ این تاکتیک جنگی بود که دشمن نگوید این‌ها یک عده پیروپاتال هستند، یک حيله جنگی بود که رسول اکرم به کار می‌برد ولی امروز «فَأْمُرُوا وَ مَا أُخْتَارُ» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۲۹).

تبیین احادیث مشکل در بین ائمه رایج بوده و اصحاب معمولاً روایات سخت و پیچیده را از ائمه می‌پرسیدند. یکی از مسائلی که همواره در بین علمای اهل سنت و عالمان شیعه مورد سؤال بوده، مسئله حدیث غدیر است. در این زمینه، امام زین العابدین (علیه السلام) در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جواب پرسشگری که از معنی گفته پیغمبر «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً» پرسید، چنین فرمود: «به آن‌ها خبر داد که پس از وی، او امام است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۲۳).

امام (علیه السلام) با این بیان در واقع، به یک باور رایج اهل سنت که درصدد تحریف حدیث غدیر برآمده بودند، پاسخ دادند؛ چراکه عموم اهل سنت بر این باورند که منظور از واژه مولا در حدیث غدیر، دوست است (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۶)؛ درحالی که امام (علیه السلام) با تعبیر «الامام» آن را به رهبر و پیشوا تفسیر کردند.

همچنین در برخی دیگر از روایات به تفسیر حدیث غدیر پرداخته شده است؛ چنان که وقتی از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند منظور پیامبر ﷺ از این فرمایش چیست که فرمود: من از هر مؤمنی به خود او اولی هستم و علی (علیه السلام) بعد از من به او اولی و احق است. امام

در تفسیرش به شئون ولایت پرداخته و از لوازم ولایت امام سخن گفته است و فرموده: «فرمایش خود پیغمبر است که هر که بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگانی بی سرپرست به جا گذارد بر عهده من است که دینش را ادا کنم و از بازماندگانش سرپرستی نمایم و هر که بمیرد و مالی از خود به جا گذارد، از آن ورثه اوست، پس هرگاه مردی مالی نداشته باشد، بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آن‌ها حق امر و نهی ندارد و پیغمبر و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامان بعد از ایشان بدان ملزم هستند که مخارج آن‌ها را بپردازند. از این رو ایشان نسبت به خود مردم اولویت دارند و تنها چیزی که موجب شد همهٔ یهود اسلام آورند، همین سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود؛ زیرا ایشان نسبت به خود و عیالات خود آسوده خاطر شدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۰۶).

دسته دیگری از احادیث که ائمه به حل آن‌ها توجه نشان داده‌اند، روایاتی است که به دلیل تقطیع نادرست صدر و ذیل آن‌ها از دست رفته است؛ چنانکه وقتی از امام کاظم (علیه السلام) دربارهٔ معنای حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤال کردند، امام با توجه به همین ویژگی به حل مشکل پدید آمده در حدیث پرداختند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۵۳).^۱

این کار در امامان شیعه ادامه پیدا می‌کند به طوری که در احوالات امام هادی (علیه السلام) آمده است که ایشان در زندان متوکل هم به حل احادیث مشکل اهتمام نشان می‌داد. نمونهٔ آن سؤال صقر بن ابی دلف کرخی از حضرت است (همان، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۹۴). تبیین‌گری احادیث مشکل در زمان امام رضا (علیه السلام) از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا زمان حضرت، اوج تضارب آرا و بحث‌های کلامی است. گاهی حاکم وقت، جلسات مناظره ترتیب می‌داد و امام رضا (علیه السلام) با قدرت تمام از کیان اسلام دفاع می‌کرد. البته گاهی مردم به‌طور مستقیم به خود حضرت رجوع می‌کردند و حضرت مشکل احادیث‌ها را برایشان تبیین می‌کرد. با توجه به گسترهٔ زیاد فرمایش‌های تبیینی امام رضا (علیه السلام)، این پژوهش دامنهٔ پژوهشی خود را کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام) قرار داده است

۱. اَبان گوید: شخصی در محضر امام کاظم (علیه السلام) از مطلبی یاد کرد سپس گفت: شنیده‌ایم که در زمان پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مردی از دنیا رفت در حالی که دو دینار باقی گذارده بود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: زیاد باقی گذارده است. امام فرمود: او مردی بود که نزد اهل صفه (تهیدستانی که در کنج مسجد ماوی گزیده بودند) گدایی می‌کرد، از دنیا رفت در حالی که دو دینار از او باقی مانده بود.

که اساساً این کتاب درباره زندگی، آثار و روایات امام رضا (علیه السلام) توسط شیخ صدوق نوشته شده است.

۲-۶. احادیث مشکل در عیون اخبار الرضا (علیه السلام)

قبل از هرگونه بررسی، اطلاع از متون، تعداد و انواع مشکل الاحادیث در متن کتاب عیون اخبار الرضا ضروری است؛ زیرا قبل از هرگونه پژوهش درباره شیوه‌های تبیین مشکل الحدیث توسط امام رضا (علیه السلام) باید احادیث موجود در این زمینه گردآوری شود. روش یافتن مشکل الاحادیث در این کتاب بر دو قسم است: روش اول، مطالعه متن کتاب و استخراج همه آیات و احادیث مشکل است که روشی بهتر و استقرار تام اما همراه با زحمت زیاد است. روش دوم، روش کلیدواژه‌ای است که لازمه این روش نیز مطالعه بخشی از متن کتاب است. منظور از روش کلیدواژه‌ای این است که واژگانی را که به وسیله آن‌ها از امام، آیات و احادیث مشکل پرسیده می‌شد باید پیدا کرد و بعد با جست‌وجوی آن‌ها در کتاب می‌توان به انبوهی از آیات و احادیث مشکل پی برد. کلیدواژه‌های (سَأَلْتُ الرَّضَا)، (النَّاسُ يَقُولُونَ)، (النَّاسُ يَرْوُونَ)، (مَا تَقُولُ) و (یرویه) را می‌توان از باب نمونه ذکر کرد.

۲-۷. رویکردهای مواجهه با احادیث مشکل

شارحان حدیث در مواجهه با احادیث مشکل به توضیح و تبیین این احادیث پرداخته‌اند و هرکدام سعی در زدودن پرده ابهام از چهره احادیث داشته‌اند. این محدثان در مواجهه با مشکل الحدیث رویکردهای متفاوتی داشته‌اند؛ به طوری که گاهی به تبیین و توضیح احادیث پرداخته‌اند و گاهی راه به تأویل برده‌اند و گاهی در مقابل احادیث مشکل توقف کرده‌اند و بعضی دست به انکار احادیث زده‌اند. برای هر پژوهشگری ممکن است از هرکدام از راهکارها در مسیر حدیث‌پژوهی استفاده کند. تنوع رویکردها در مواجهه با مشکل الحدیث به این معنا نیست که هر محدثی فقط یک رویکرد را در مقابل مشکل الحدیث اتخاذ کرده بلکه ممکن است که یک محدث تمامی انواع رویکردها را داشته باشد.

مثلاً حدیثی را انکار کند و در مقابل حدیثی، توقف کند و دست به تأویل حدیث دیگری بزند و در نهایت، به تبیین و توضیح مقبول حدیث دیگر پردازد و به اصطلاح، این شیوه‌ها مانع‌الجمع^۱ نیستند. در ادامه، به‌طور خلاصه توضیحی درباره این رویکردها داده می‌شود:

۲-۷-۱. رویکرد تبیینی

این رویکرد که موضوع اصلی این پژوهش نیز است، محدث با تجمیع فراین و با استناد به دلایل عقلی یا نقلی به تبیین حدیث می‌پردازد. برای نمونه، در حدیثی امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «ماه شعبان را نه رسول الله ﷺ و نه یکی از پدرانم روزه گرفت» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۹۱).

در حالی که امروزه استحباب روزه ماه شعبان از مسلمات فقه شیعه به شمار می‌رود و بسیاری از صالحین به این کار مداومت دارند و احادیثی هم در روزه گرفتن ائمه (علیهم السلام) در این ماه صادر شده است؛ از جمله اینکه راوی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: از پدران تو، کسی ماه شعبان روزه می‌گرفت؟ امام (علیه السلام) در جواب فرمود: «بهترین پدران من رسول خدا ماه شعبان را روزه می‌گرفت» (همان: ۹۰).

کلینی در تبیین این حدیث گفته است که در آن زمان قومی بودند که عقیده داشتند روزه ماه شعبان هم مثل روزه ماه رمضان واجب است و هر کس روزی از روزهای ماه شعبان را اگر روزه نگرفت، باید کفاره‌ای مانند کفاره ماه رمضان را بدهد. ائمه (علیهم السلام) در مقابل این تفکر، روزه را از ماه شعبان نفی کرده‌اند و بیان کرده‌اند که ائمه (علیهم السلام) با عقیده به وجوبش، ماه شعبان را روزه نگرفتند اما با این عقیده که روزه مستحبی است و بر افطارکننده کفاره‌ای نیست، روزه را می‌گرفتند (همان: ۹۱).

شیخ طوسی هم همین توجیه کلینی را آورده با این تفاوت که به قائلین به وجوب روزه ماه شعبان هم اشاره کرده است و گفته که این‌ها ابوالخطاب و اصحابش بودند که قائل

۱. دو امری که اجتماع آن دو ممکن نیست ولی ارتفاع هر دو با هم ممکن است.

بودند هر کس روزی از ماه شعبان را افطار کند باید کفاره‌ای مثل کفاره ماه رمضان را بدهد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۰۹).

۲-۷-۲. رویکرد تأویلی

شیوه دیگر در برخورد با مشکل الحدیث، رو آوردن به تأویل است که حدیث به معنای خلاف ظاهر و مرجوح حمل شود. روشن است که اگر قرینه‌ای محکم از عقل یا نقل برای معنای مؤول باشد، تأویل مورد قبول است و این شیوه جزو رویکرد تبیینی می‌شود. برای نمونه، حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است که حضرت فرمود: «لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ؛ با روزها ستیز مکنید که آن‌ها به دشمنی شما برخیزند» (ابن اشعث: ۱۶۲).

این حدیث معنای قابل فهمی را از خود ارائه نمی‌دهد و برای مخاطب حدیث سؤال ایجاد می‌شود که منظور از دشمنی با روزگار چیست؟ با قرار دادن حدیث امام هادی (علیه السلام) در کنار این حدیث مشکل، پرده ابهام از این حدیث برداشته می‌شود و معنای قابل فهمی را ارائه می‌دهد که منظور از ایام، ائمه اطهار (علیهم السلام) است. از امام هادی (علیه السلام) پرسیدند که منظور از ایام در این حدیث چیست امام فرمود:

«الْأَيَّامُ نَحْنُ مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالسَّبَبُ اسْمُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأَخْدُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْنَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَالثَّلَاثَاءَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْأَرْبَعَاءَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَأَنَا وَالْخَمِيْسُ ابْنِي الْحَسَنِ وَالْجُمُعَةُ ابْنُ ابْنِي؛ تا آسمان و زمین بر پا است مقصود از روزها ما هستیم پس شنبه نام رسول خداست و یک‌شنبه کنایه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و دوشنبه حسن و حسین است و سه‌شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد است و چهارشنبه، موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و منم و پنج‌شنبه فرزندانم حسن بن علی است و جمعه فرزندانم است» (خرزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۹۱).

با توجه به عصمت و علم امام (علیه السلام) تأویلات ایشان پذیرفته می‌شود و لو اینکه از ظاهر لفظ، معنای بیان شده از طرف امام فهمیده نشود.^۱

اما اگر تأویل بدون قرینه باشد علاوه بر اینکه مقبول نیست بلکه راه را برای برداشت‌های گوناگون غیردینی از احادیث باز می‌کند. در ادامه، نمونه‌ای از تأویل‌های بی‌قرینه، از آثار شمس تبریزی آورده شده است که در این حدیث پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درباره مشورت با زنان فرموده‌اند: «شَاوِرُوهُنَّ وَ خَالِفُوهُنَّ؛ با زنان مشورت کنید و خلاف آن را به کار بندید» (ابن اَبی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۸۹).

این حدیث از احادیث سخت است که انسان را به کار بیهوده‌ای ترغیب می‌کند بدین‌صورت که مشورت کند با کسی که باید مخالف حرف او عمل کند و از طرفی این حدیث تنقیص جایگاه زن نیز به حساب می‌آید.

شمس تبریزی در حل این مشکل الحدیث می‌گوید مراد از زن در این روایت نفس است یعنی اول باید به حرف نفس گوش داد بعد باید خلاف حرف نفس عمل کرد. سخن شمس تبریزی درباره مخالفت با نفس مطلب درستی است که انسان باید بعد از فهمیدن حرف نفس، بر خلافش عمل کند اما اینکه شمس تبریزی چگونه این مطلب را از این حدیث استنباط کرده است جای بسی تأمل دارد. وی در این باره می‌گوید: «نفس طبع زن دارد بلکه خود زن طبع نفس دارد» (شمس‌الدین تبریزی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۸۷).

۲-۷-۳. رویکرد توقف

بعضی‌ها در مقابل احادیث مشکل توقف و فهمش را به اهلش واگذار کرده‌اند که منظور از اهل این معارف، ائمه اطهار (علیهم السلام) است. روش توقف را اهل بیت (علیهم السلام) به شیعیان یاد داده‌اند که اگر معنای حدیثی را متوجه نشدند، فهمش را به اهلش واگذار کنند. کلینی در این باره حدیثی را از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «دَعُوا

۱. برای تبیین‌های متفاوت این حدیث رک: شریف الرضی، ۱۳۸۰: ۳۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹: ۱۳۵.

عَنْكُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ مِمَّا لَا عِلْمَ لَكُمْ بِهِ وَرُدُّوا الْعِلْمَ إِلَىٰ أَهْلِهِ تُوَجَّرُوا وَتُعَدَّرُوا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ؛ آنچه را بر شما اشتباه شده و از آن آگاه نیستید وانهید و علم را به راهش واگذارید تا مزد برید و نزد خدای تبارک و تعالی معذور باشید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۷۰). مضمون همین روایت در کتاب سلیم بن قیس هلالی هم آمده است که امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «أَخَا عَبْدِ الْقَيْسِ فَإِنْ وَصَحَ لَكَ أَمْرٌ فَأَقْبَلْهُ وَ الْإِلَّا فَاسْكُتْ تَسَلَّمَ وَرُدَّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ فَإِنَّكَ فِي أَوْسَعِ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ ای برادر عبد القیس از خدا بترس، اگر مطلبی برایت روشن شد آن را بپذیر وگرنه سکوت کن تا سلامت بمانی و علم آن را به خدا واگذار کن، چراکه در وسعتی بیش از فاصله آسمان و زمین قرار داری» (هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۵۶۱).

در مطالعه بعضی از شروح و تعلیقات احادیث مشکل این مبنا در مواجهه با بعضی از مشکل الحدیث‌ها به چشم می‌خورد. مثلاً علامه مجلسی در توضیح حدیثی^۱ سخنی از میرداماد را نقل می‌کند که وی می‌گوید منظور از آب در این روایت جوهر عقلی است که نور علم را حمل می‌کند. مرحوم مجلسی بعد از نقل عبارت میرداماد می‌گوید:

«أقول هذه التأويلات في الأخبار جراءة على من صدرت عنه، والأولى تسليمها ورد علمها إليهم؛ می‌گویم که این تأویلات جرئت کردن بر کسی است که این روایات از آن صادر شده است. اولی این است که انسان در مقابل این روایات تسلیم شود و علمش را به اهلش واگذار کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۸۲).

این شیوه مرحوم مجلسی علاوه بر مرآة العقول در بحار الانوار هم پیدا است.^۲ همچنین

۱. عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ فَقَالَ مَا يَقُولُونَ قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّ الْعَرْشَ كَانَ عَلَى الْمَاءِ وَالرَّبُّ فَوْقَهُ فَقَالَ كَذَبُوا مَنْ زَعَمَ هَذَا فَقَدْ صَيَّرَ اللَّهُ مَخْمُولًا وَ وَصَفَهُ بِصِفَةِ الْمَخْلُوقِ وَ لَزِمَهُ أَنْ الشَّيْءَ الَّذِي يَحْمِلُهُ أَقْوَى مِنْهُ قُلْتُ بَيْنَ لِي جُعِلْتُ فِذَاكَ فَقَالَ إِنْ اللَّهُ حَمَلَ دِينَهُ وَ عِلْمَهُ الْمَاءِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ أَرْضٌ أَوْ سَمَاءٌ أَوْ جَنٌّ أَوْ إِنْسٌ أَوْ شَيْءٌ أَوْ قَمَرٌ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ نَزَّهَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ رَبُّكُمْ فَأَوْلَ مَنْ نَطَقَ - رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا أَنْتَ رَبُّنَا فَحَمَلَهُمُ الْعِلْمَ وَ الدِّينَ ثُمَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ هَؤُلَاءِ حَمَلَةُ دِينِي وَ عِلْمِي وَ أَمَنَاتِي فِي خَلْقِي وَ هُمْ الْمَسْئُولُونَ ثُمَّ قَالَ لِبَنِي آدَمَ أَقْبِرُوا لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لَهُؤُلَاءِ النَّفَرُ بِالْوِلَايَةِ وَ الطَّاعَةِ فَقَالُوا نَعَمْ رَبُّنَا أَقْبَرْنَا فَقَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ اشْهَدُوا فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ شَهِدْنَا عَلَى أَنْ لَا يَقُولُوا غَدَا إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ. أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ يَا دَاوُدُ وَ لَا يَتَيْنَا مُؤَكَّدَةً عَلَيْهِمْ فِي الْمِيثَاقِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۳۲).

۲. مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵: ۵۵، ۱۳، ج ۵۶: ۳۳۶، ج ۶۴: ۱۱۱، ج ۸۸: ۵۵.

در آثار بقیه شارحان هم مثل علامه شعرانی^۱ و مرحوم علی اکبر غفاری^۲ دیده می شود.

۲-۷-۴. رویکرد انکاری

بعضی پژوهشگران حدیث در مقابل بعضی از مشکل الحدیث‌ها رویکرد انکاری داشته‌اند که بر اثر این رویکرد، حکم به جعلی بودن روایت می‌کند. بر اثر این رویکرد کتاب‌هایی تدوین شده است که مسئله جعل حدیث را یا از جهت نظری^۳ یا از نظر گردآوری متون جعلی بررسی کرده است.^۴ رویکرد انکاری در بسیاری از فضایی که برای خلفا بیان کرده‌اند، نمود چشمگیری دارد. برای نمونه در فضیلت شیخین نقل کرده‌اند که: «هذان سیدا کههول أهل الجنة من الأولین و الآخین إلا النبیین و المرسلین» (شوشتری، ۱۳۶۷ ق: ۳۳۹).

ساختگی مبتذل این حدیث طوری است که ائمه اطهار علیهم‌السلام و بسیاری از حدیث‌شناسان حتی بعضی از خلفا منکر این حدیث شده‌اند. کراچکی درباره این حدیث قائل است که حامیان خلفا به خاطر معارضه با حدیث الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة این حدیث را جعل کرده‌اند در حالی که غافل شده‌اند از حدیث پیامبر درباره اهل بهشت که حضرت فرمود: «أَنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ شَبَابٌ كُلَّهُمْ» (کراچکی، ۱۴۲۱ ق: ۱۳۸).

در بخشی از مناظره‌ای که بین علمای اهل سنت و مأمون الرشید واقع شده به این مطلب هم اشاره شده است؛ وقتی که علمای اهل سنت به افضلیت شیخین طبق حدیث سیدا کههول أهل الجنة اشاره کردند، مأمون در جوابشان گفت که: «هَذَا الْحَدِيثُ مُحَالٌ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ كَهْلٌ وَيَزْوَى أَنَّ أَشْجَعِيَةَ كَانَتْ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَجُوزٌ فَبَكَتْ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً عُرْباً أَثْرَاباً؛ این محال است؛ زیرا که در بهشت مرد پیر نیست و روایت شده است که پیرزنی

۱. فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۶: ۵۱۸.

۲. ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۲۸.

۳. ر.ک: رفیعی محمدی، ۱۳۹۰.

۴. ر.ک: شوشتری، ۱۳۶۶.

از قوم اشجع در نزد پیغمبر ﷺ بود. آن جناب فرمود عجزوه داخل بهشت نمی‌شود، آن زن گریه کرد. پیغمبر ﷺ فرمود همانا خدا فرموده است؛ پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده‌ایم عشق‌ورز به شوهران، و هم سن و سال با همسران» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۸۷).

نمونه‌ای دیگر از متون روایی که انکار بعضی‌ها را به دنبال داشته، قسمتی از دعایی است که از ناحیه مقدسه صادر شده و مربوط به کل روزهای ماه رجب است. متن مد نظر بدین صورت است:

«فَاقِدْ كُلَّ مَفْقُودٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۸۰۴). فاقد و مفقود از کلمات دخیله در زبان عربی هستند که در زبان فارسی هم به کار می‌رود و معنای روشنی دارد که آن هم به معنای از دست دادن است. با مراجعه به کتب لغت معنای لغوی فقد هم همان معنای مرتکز آن است. ابن فارس در معنای ماده فقد می‌گوید: «یدلُّ علی ذهاب شیء و ضیاعه؛ دلالت می‌کند بر از دست رفتن و ضایع شدن چیزی» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۴۴۳).

با این توضیح عبارت معنای غیرمستقیمی را از خود ارائه می‌کند؛ بدین صورت که خدا از دست می‌دهد هر چیزی را که از دست رفته باشد. به همین دلیل است که مرحوم شیخ محمدتقی شوشتری این قسمت را از مجعولات می‌شمارد و می‌گوید که قائل شدن به این مطلب کفر است؛ یعنی خدا واجد نیست چیزی را که از دست رفته باشد. لذا در توجیه این عبارت قائل است که اگر به جای لفظ فاقد، لفظ واجد باشد، معنی مناسبی از عبارت فهمیده می‌شود (شوشتری، ۱۳۶۶: ۲۶۴).

از آنجا که موضوع این پژوهش ارائه قواعدی برای حل مشکل الحدیث است، غالباً با رویکرد تبیینی و توضیحی سازگار است و بقیه رویکردها از این رویکردهای چهارگانه (توقف، انکار، تأویل، تبیین) داخل در بحث نیست؛ زیرا در رویکردهای انکاری و توقفی به حل مسئله پرداخته نشده است و در رویکرد تأویلی بی دلیل از راه خطا مشکل الحدیث را حل

کرده‌اند و در اصطلاح اصول فقه جمع تبرعی است (مظفر، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۰۷).^۱

۲-۸. رویکردهای امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با احادیث مشکل

از چهار رویکرد بیان شده، رویکرد توقف در شیوه‌های تبیین مشکل الحدیث توسط امام رضا (علیه السلام) بررسی نمی‌شود؛ زیرا این رویکرد مختص غیرمعصوم است که فهم حدیث را به معصوم برمی‌گرداند.

۲-۸-۱. انکاری

در این رویکرد امام رضا (علیه السلام) احادیثی را که به صورت برساخته و جعلی انتشار یافته و منشأ سؤال و شبهه شده بودند، رد می‌کند. برای نمونه، وقتی مردم سؤال می‌کنند که روایت شده وقتی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) امامت امیرمؤمنان (علیه السلام) را اعلام کرد، خداوند ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) را در آسمان بر تعدادی از مردم و ملائکه عرضه کرد، ولی آن‌ها قبول نکردند. در نتیجه، خداوند آنان را به شکل قورباغه مسخ فرمود. امام رضا (علیه السلام) با رد این حدیث فرمودند: پناه بر خدا! گویندگان این حدیث، ما را تکذیب می‌کنند و بر ما افترا می‌زنند؛ زیرا ملائکه رسولان الهی هستند و مانند سایر انبیا و رسل هستند، آیا از انبیا و رسل کفر سر می‌زند؟ سؤال‌کنندگان در جواب گفتند خیر، بعد حضرت فرمود: ملائکه هم همین‌طور هستند، شأن ملائکه بسیار عظیم و امرشان بسیار با جلال است (ابن بابویه، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۷۰).

نکته قابل توجه در مسئله انکار حدیث جعلی از طرف امام رضا (علیه السلام) این است که رد حضرت همراه با تبیین است. حضرت برای رد حدیث فوق به عصمت ملائکه استدلال کردند و با تنظیم ملائکه به انبیا، صدور معصیت از ملائکه را رد می‌کند.

۱. جمع تبرعی، مقابل جمع عرفی بوده و عبارت است از جمع میان دو دلیل متعارض از طریق دست کشیدن از ظاهر هر دو دلیل یا یکی از آن دو یا به تاویل بردن هر دو یا یکی از آن‌ها بی آنکه شاهد عرفی بر آن وجود داشته باشد؛ به بیان دیگر، جمع تبرعی، جمع است که عقل با دقت و باریک‌بینی به آن می‌رسد، ولی به درجه ظهور عرفی نمی‌رسد و عقلای عالم در گفت‌وگوهای خود چنین بنایی ندارند. این‌گونه جمع حد و مرزی ندارد بلکه شدیدترین متعارض‌ها را می‌توان با دقت عقلی به تاویل برد و بین آن‌ها سازگاری ایجاد کرد.

همین تبیین، در انکار خرافات مربوط به ستاره زهره به وضوح مشاهده می شود. درباره ستاره زهره مأمون از امام رضا (علیه السلام) سؤال کرد که نظرت درباره حرف مردم چیست که می گویند ستاره زهره زنی بود که هاروت و ماروت با او مرتکب حرام شدند و ستاره سهیل جمع کننده مالیات در یمن بوده است؟ حضرت فرمودند: دروغ می گویند که آن دو (آن زن و مأمور مالیاتی) ستاره بوده اند! بلکه دو جانور آبی بودند. بعد حضرت وجه اشتباه مردم را تبیین می کنند بدین صورت که هیچ وقت خداوند دشمنان خود را به صورت انواری در خشان که تا پایان جهان، باقی و برقرار باشند، مسخ نمی کند. بعد حضرت با بیان قاعده کلی به بطلان اعتقاد مردم پرداخته و می فرمایند که مسخ شدگان بیش از سه روز زنده نمی مانند و تولید مثل نیز نمی کنند و امروزه در روی زمین هیچ جانور مسخ شده ای وجود ندارد و حیواناتی مثل میمون، خوک و خرس و امثال آنها که به عنوان مسخ شده شهرت پیدا کرده اند، خودشان مسخ شده نیستند؛ بلکه شبیه آن چیزهایی هستند که خداوند کسانی را که به خاطر انکار توحید و تکذیب پیامبران لعن و نفرین و غضب فرموده، به آن اشکال مسخ کرده است.

در نهایت، حضرت حقایق مربوط به هاروت و ماروت را بیان کردند که آن دو فرشته هایی بودند که به مردم سحر آموختند تا از سحر جادوگران پرهیز کنند، و آن را باطل نمایند و به هرکس چیزی در این باره می آموختند و به او می گفتند «إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ» (ما، وسیله آزمایش تو هستیم، کافر نشو (بقره، ۱۰۲) ولی گروهی با به کارگیری چیزی که دستور داشتند از آن دوری کنند، کافر شدند و به وسیله آنچه می آموختند، بین زن و شوهر جدایی می انداختند. خداوند می فرماید: «وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (به وسیله آن سحر به کسی ضرر نمی زدند مگر به اذن خدا (همان) که منظور از اذن خدا در این آیه علم خدا است (ابن بابویه، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۷۱).

گاهی هم رد و انکار حضرت با عتاب تندی همراه است تا حدی که به لعن انتشارکنندگان حدیث جعلی پرداخته اند که نمونه اش حدیث ابراهیم بن ابی محمود است که به امام رضا (علیه السلام) عرض می کند که مردم به جسمانیت خدا عقیده دارند؛ بدین صورت که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حدیثی نقل می کنند که فرمود خداوند هر شب جمعه به آسمان دنیا

نازل می‌شود. امام رضا علیه السلام فرمود خداوند لعنت کند کسانی را که کلمات را از مواضع خود تحریف کنند و تغییر و تبدیل دهند. قسم به خدا که رسول خدا این گونه بیان نکرده است؛ بلکه فرموده که خداوند در ثلث آخر هر شب و در ثلث اول شب جمعه فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد و دستور می‌دهد که فریاد کند: آیا سائلی هست که من به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده هست که من توبه او را قبول کنم؟ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند تا من او را بیامرزم؟ ای طالب خیر اقبال کن و ای طالب شر روی خود را برگردان و پیوسته تا طلوع فجر ندا می‌کند و بعد از طلوع فجر، به محل خود در آسمان برمی‌گردد (همان: ۱۲۶).

۲-۸-۲. تبیینی

در این رویکرد، امام رضا علیه السلام بر خلاف رویکرد قبل به انکار حدیث نمی‌پردازد؛ بلکه با تبیین منطقی به علل سوءبرداشت از حدیث اشاره و در نهایت، معنای واقعی حدیث را ارائه می‌کند. برای نمونه، از حضرت رضا علیه السلام درباره فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله «أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بَأْيِهِمْ أَفْتَدَيْتُمْ أَهْتَدَيْتُمْ؛ اصحاب من چون ستارگان اند هر کدام را پیروی و متابعت کنید به مطلب خود می‌رسید و راهنمای شما می‌شوند» و فرمایش دیگرشان «دعوا لی اصحابی؛ اصحاب مرا به من واگذارید» سؤال شد امام رضا علیه السلام فرمود: این حدیث‌ها صحیح است ولی منظور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب، آن اصحابی است که بعد از حضرت در دین تغییر و تبدیل ندادند (همان، ج ۲: ۸۷).

گاهی امام رضا علیه السلام در تبیین‌های خود به آسیب‌های نقل حدیث مانند تقطیع اشاره کرده است. برای نمونه از حضرت درباره حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» سؤال شد چرا که این حدیث در نگاه اول جسم‌بودن خدا را می‌فهماند. حضرت تقطیع کنندگان حدیث را نفرین و بعد تبیین کردند که آن‌ها شأن صدور روایت را حذف کرده‌اند. ماجرا از این قرار بود که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسیر خود دو نفر را دیدند که به یکدیگر دشنام می‌دادند و یکی از آن دو نفر این گونه فحش می‌داد: «قَبَّحَ

اللَّهُ وَجْهَكَ وَوَجْهَ مَنْ يُشَبِّهُكَ؛ خدا چهره تو و چهره هر کس را که به تو شبیه است، قبیح و زشت گرداند». رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای بنده خدا این سخن را به برادرت نگو؛ زیرا خداوند آدم (علیه السلام) را به شکل او آفرید (همان: ۸۷). در این حدیث مردم به خاطر برداشت اشتباه از یک حدیث نبوی، خیال می کردند صورت انسان در خلقت مثل صورت خداست، امام رضا با حل دقیق مشکل یادشده مردم را از تجسیم نجات می دهد.

البته این شبهه تازگی نداشت و از قبل هم بین مردم بود تا جایی که محمد بن مسلم، این مسئله را از امام باقر (علیه السلام) پرسید و امام با توجه به قوت علمی پرسشگر، توضیح داد که نسبت صورت به خدا از باب اضافه تشریفیه^۱ است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۳۴).^۲

امام رضا (علیه السلام) گاهی در تبیین های خود، به حل تعارض بدوی روایات و آیات قرآن پرداخته اند. برای نمونه، ابوالصلت عبدالسلام بن صالح هروی مروی به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد یابن رسول الله ﷺ نظرتان درباره حدیث امام صادق (علیه السلام) «زمانی که حضرت قائم (علیه السلام) خروج کند ذریه و اولاد قاتلان امام حسین (علیه السلام) را به خاطر کردار پدران آنها، به قتل می رساند» چیست؟

امام رضا (علیه السلام) صحت این حدیث را تأیید کرد که در این حال، عبدالسلام هروی از تعارض این حدیث با آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» پرسید.

امام رضا (علیه السلام) در جواب خودشان به تبیین تعارض ظاهری حدیث با آیه شریفه پرداختند و فرمودند چون مجازات اولاد قاتلان امام حسین (علیه السلام) توسط امام مهدی (علیه السلام) این است که این افراد از کردار پدران خود خشنود هستند و به این عمل مفاخره می کنند و هرکس که به عملی راضی باشد، مثل این است که این عمل از او صادر شده باشد و لذا اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب راضی به قتل او باشد، در نزد خدا راضی، شریک

۱. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۴۹۵؛ هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۱۴؛ سیوطی، ج ۴: ۱۴۹. اضافه ای که مضاف به وسیله اضافه شدن از مضاف الیه کسب شرافت می کند. مثل روح الله، بیت الله.

۲. محمد بن مسلم گوید از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم راجع به آنچه روایت کنند که خدا آدم را به صورت خود آفریده است. حضرت فرمود: آن صورتی است پدیده و آفریده که خدا آن را انتخاب کرده و بر سایر صورت های مختلف برگزیده و به خود نسبت داده است همچنان که کعبه و روح را به خود نسبت داده و فرموده است: خانه من و دمیدم در او از روحم.

قاتل است (ابن بابویه، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۷۳).

یکی از موضوعات اعتقادی، مسئله جبر و تفویض است که فرمایش امام صادق (علیه السلام) «لَا جَبْرَ وَ لَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ؛ نه جبر است، نه تفویض بلکه چیزی است بین دو امر» فصل الخطاب این بحث شده است، اما خود این حدیث احتیاج به تبیین دارد که امام رضا (علیه السلام) با تبیین این حدیث مسئله جبر و اختیار را حل کرده است. یزید بن عمیر از امام رضا (علیه السلام) معنای حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره جبر و اختیار را پرسید. حضرت فرمود: کسی که گمان کند خداوند افعال ما را مرتکب می شود، سپس از آن ما را بر آن افعال عذاب می کند قائل به جبر است و کسی که گمان کند که خدای عزوجل خلق و رزق را تفویض به حجج خود نموده، قائل به تفویض است و قائل به جبر، کافر و قائل به تفویض مشرک است. یزید بن عمیر در ادامه از معنای «امر بین الامرین» پرسید که حضرت فرمود: یعنی راه باز است که آنچه را خدا دستور داده انجام دهند و آنچه را نهی فرموده ترک کنند.

یزید بن عمیر دوباره سؤال کرد که آیا در مورد اعمال بندگان مشیت خداوند، جاری نیست؟ فرمود: اراده و مشیت خداوند در مورد طاعات، عبارت است از دستور و رضایت خداوند به آن عمل و کمک نمودن بندگان در انجام آن و اراده و مشیت خدا در مورد معاصی عبارت است از: نهی کردن و خشمگین بودن از آن عمل و یاری نکردن بندگان در انجام آن عمل است (همان: ۱۲۴).

گاهی تبیین های امام رضا (علیه السلام) رویکرد مصداق شناسانه به خود می گرفت و امام با مشخص کردن مصداق، حدیث اجداد طاهرين خود را تبیین می کردند. برای نمونه، عبدالسلام بن صالح به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد یابن رسول الله حدیثی از امام صادق (علیه السلام) برای ما روایت شده که حضرت فرموده است هر کس علم را به خاطر جدل با سفها، مباحثات با دانشوران و یا به خاطر روی آوردن مردم طلب کند، در آتش خواهد بود.

امام رضا (علیه السلام) فرمایش امام صادق (علیه السلام) را تصدیق کردند و در تبیین فرمایش امام صادق (علیه السلام) بیان کردند که منظور از سفها در این روایت قصه کننده های مخالفان

یعنی تابعان مخالفان ما هستند.^۱ بعد حضرت در تبیین علماء فرمودند ایشان علمای آل محمدند که حق تعالی اطاعت ایشان را بر خلق لازم گردانیده و محبت ایشان را بر همه کس لازم کرده است. در نهایت، در تبیین روی آوردن مردم فرمودند: به خدا قسم مقصود کسانی هستند که به ناحق، ادعای امامت نمایند که جایگاه آن‌ها در آتش جهنم باشند (همان: ۳۰۷).

تبیین‌های امام رضا (علیه السلام) به مسائل اعتقادی منحصر نبود و به مباحث فقهی نیز کشیده شده بود. برای نمونه، حسن بن راشد از امام رضا (علیه السلام) از تعداد تکبیرهای شروع نماز پرسید. حضرت فرمود: که هفت عدد است. حسن بن راشد به روایت نقل شده درباره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اشاره کرد که نقل شده پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک مرتبه تکبیر می‌گفت. امام رضا (علیه السلام) در تبیین تعارض بین گفتار خود و عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: پیغمبر يك تکبیر را بلند و شش تکبیر دیگر را آهسته می‌فرمودند (همان، ج ۲: ۳۴۷).

نمونه دیگر از تبیین‌های فقهی امام رضا (علیه السلام) در جواب عبدالسلام هروی است که از حضرت پرسید یا ابن رسول الله از پدران شما روایت شده است که هرکسی در ماه رمضان جماع کند یا آنکه افطار کند باید سه کفاره بدهد و در حالی که در روایت دیگر يك کفاره هم از اجداد شما روایت شده است، ما کدام یکی از این دو خبر را قبول کنیم؟ حضرت فرمود به هر دو عمل کنید بدین صورت که هرگاه مردی در ماه رمضان، از راه حرام جماع کند یا به وسیله حرام افطار کند، باید سه کفاره بدهد؛ بدین صورت که هم بنده آزاد کند و هم دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد و هم ۶۰ نفر مسکین را طعام دهد و قضای روزه آن روز را هم بگیرد و اگر با زن شرعی خود جماع کند یا اینکه با خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال افطار کند يك کفاره بر او لازم است و قضای روزه آن روز را نیز به‌جا بیاورد و اگر از روی نسیان و فراموشی مفطری به عمل آورده، تکلیفی بر این شخص نیست (همان، ج ۱: ۳۱۴).

۱. یعنی با علمای عامه مجادله نکنید که باعث آن شود که شما را نسبت به رفض دهند و آزار کنند یا اینکه شما را بفریبند و در گمراهی افکنند.

۲-۸-۳. تأویلی

تأویل مقدم کردن معنای مرجوح بر معنای راجح را می‌گویند که طبق بیان قرآن تأویل قرآن منحصر در «الراسخون فی العلم» است که ائمه علیهم‌السلام مصداق منحصر راسخون در علم هستند. احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مثل آیات قرآن، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مجمل و مبین و در نهایت، محکم و متشابه دارند که در کتاب عیون اخبار الرضا، امام رضا علیه‌السلام علاوه بر تأویل آیات قرآن، به تأویل احادیث اجداد طاهرين خودشان پرداخته‌اند. احادیثی که با آموزه‌های قطعی اسلام و عقل سازگاری ندارند، توسط امام رضا علیه‌السلام در کتاب عیون اخبار الرضا به تأویل برده شده‌اند. یکی از مسلمات شرع و عقل، جسم نبودن خداوند متعال است. در این راستا از امام رضا علیه‌السلام سؤال شد که نظرتان درباره حدیث «أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَرُوزُونَ رَبَّهُمْ فِي مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ» چیست؟ همان‌طور که از متن سؤال برمی‌آید این حدیث جسمانیت خداوند را می‌رساند؛ زیرا دیده شدن از خواص جسم است. امام رضا علیه‌السلام در جواب فرمود: خداوند متعال حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بر جمیع خلق برتری داد و پیروی او را پیروی خود و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود قرار داد. بعد امام رضا علیه‌السلام به آیاتی استشهاد کرد که اطاعت رسول را اطاعت خداوند می‌داند و بیعت با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیعت با خدا قرار داده است.

در نهایت، امام رضا علیه‌السلام با استشهاد با حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «هر کس مرا زیارت کند در حیات و زندگی من یا بعد از موت من خداوند را زیارت کرده است» به تأویل و توجیه روایت نبوی پرداخته است که در واقع، منظور از زیارت خدا در قیامت همان زیارت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (همان: ۱۱۵). در کتاب عیون اخبار الرضا آیات زیادی از قرآن نیز تأویل شده است که جست‌وجوی کلیدواژه «سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ‌السَّلَامُ» در این کتاب نمونه‌های واقعی را عرضه می‌کند (همان: ۱۲۰ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۲۶۰ و ۲۷۲ و...).

۳. نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین شئون نبوت و امامت، تبیین‌گری حقایق است و در این مسیر، نهایت سعی خود را به‌کار برده‌اند و جهاد تبیین را انجام داده‌اند. مقام معظم رهبری در دیدار اربعین سال ۱۴۰۰ با دانشجویان یکی از وظایف دانشجویان را تبیین اعلام کردند. این پژوهش با بررسی احادیث امام رضا (علیه السلام) در کتاب عیون اخبارالرضا نشان داد که امام رضا (علیه السلام) در تبیین مشکل الحدیث جهاد کرده‌اند؛ زیرا در زمان امام رضا (علیه السلام) به خاطر تضارب افکار و آرا، شبهات مطرح در جامعه شکل خاصی به خود گرفته بود. در مواجهه با مشکل الحدیث می‌توان چهار رویکرد اتخاذ کرد: رویکرد اول اینکه با قبول حدیث، به تبیین منطقی حدیث پرداخت. رویکرد دوم، تأویل حدیث است که با قبول حدیث معنای مر جوح را به معنای راجح مقدم می‌کنند. رویکرد سوم، توقف در برابر حدیث مشکل است که با قبول حدیث، علمش را به صاحبان حدیث یعنی ائمه (علیهم السلام) واگذار می‌شود. در نهایت، رویکرد چهارم انکار ورد حدیث است. از میان این چهار رویکرد، رویکرد توقف در شیوه‌های حل مشکل الحدیث توسط امام رضا (علیه السلام) متصور نیست؛ زیرا امام عالم به حقایق است و توقف در امام معصوم معنا ندارد. در نتیجه، امام رضا (علیه السلام) با سه شیوه تبیینی، انکاری و تأویلی به جهاد تبیین احادیث مشکل پرداخته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). قم: هجرت.
- ابراهیمی، امید؛ محمدی، دل‌آرام. (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام رضا (علیه السلام)». فرهنگ رضوی. س ۶. ش ۲۱. صص: ۱۷۳-۱۹۸.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی. قم: دارسید الشهداء للنشر.
- ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی تا). الجعفریات. تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. تهران: جهان.
- _____ (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- پورعلی، مسعود. (۱۴۰۱). «فرمان جهاد تبیین». سرباز. فروردین و اردیبهشت. ش ۲۹۷. صص: ۱۶-۱۷.
- پورعلی، یاسین؛ غلامعلی، مهدی؛ رسولی، سیدحسین. (۱۴۰۰). «درآمدی بر فهم احادیث مشکل اعتقادی با مطالعه موردی در احادیث علوی». تحقیقات کلامی. س ۹. ش ۳۳. صص: ۷-۲۲.
- جمشیدی حسن آبادی، جواد. (۱۴۰۰). «بررسی ابعاد فقهی جهاد تبیین، در برابر جنگ شناختی». کوثر. س ۲۱. ش ۶۸. صص: ۱۲۱-۱۳۳.
- حسینی، سیدمرتضی. (۱۳۹۳). «رویکردهای سه گانه بزرگان اهل سنت به غدیر». شیعه‌شناسی. س ۱۲. ش ۴۸. صص: ۲۴۹-۲۸۲.
- خرقانی، حسن؛ محقق گرمی، البرز. (۱۴۰۱). «روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. س ۱۰. ش ۳۷. صص: ۳۱-۵۶.
- خزاززازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفایه الاثر. قم: بیدار.
- خوش‌طینت، محمدعلی. (۱۴۰۰). «جهاد تبیین؛ چیستی، چرایی، الزامات». بصائر. آبان. ش ۴۲۲. صص: ۱۳-۱۶.
- رفیعی محمدی، ناصر. (۱۳۹۰). درسنامه وضع حدیث. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). الاشباه والنظائر. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۰). المعجازات النبویه. قم: دارالحدیث.
- شمس‌الدین تبریزی، محمد. (۱۳۹۲). مقالات شمس تبریزی. تهران: خوارزمی.
- شوشتری، نورالله. (۱۳۶۷ق). الصوارم المهرقه. تهران: مطبعه النهضه.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۳۶۶). الاخبار الدخیله. تهران: مکتبه الصدوق.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۴). «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». راهبرد فرهنگ. س ۸. ش ۲۹. صص: ۶۱-۹۱.
- صلح میرزایی، سعید. (۱۴۰۱). «جهاد تبیین». رتوشه. س ۳. ش ۹. صص: ۲۶۷-۲۷۶.

- طباطبایی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۸). درآمدی بر فهم احادیث مشکل. قم: دارالحدیث.
- _____ (۱۴۰۰). «زمینه‌های پدیدآمدن حدیث مشکل». علوم حدیث. س ۲۶. ش ۲. صص: ۱۶۹-۱۸۵.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۱ق). مصباح‌المتجهج. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
- فیض کاشانی، محمدمحسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
- کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۲۱ق). التعجب من اغلاط العامه. قم: دارالغدیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- _____ (۱۴۰۴ق). مرآة العقول. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مسعودی، محمد مهدی. (۱۳۸۹). «مشکل الحدیث و سهم آن در مجموعه دانش‌های حدیثی». مشکوة. س ۲۹. ش ۲. صص: ۹۸-۸۲.
- _____ (۱۳۹۴). «علامه شبر و دورویکرد ثبوتی و اثباتی در حل مشکلات اخبار». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. س ۱۲. ش ۱. صص: ۱۲۱-۱۴۴.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مظفر، محمد رضا. (۱۴۱۳ق). اصول الفقه. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- میرغفوریان، فاضله؛ بشیر، حسن. (۱۴۰۰). «تحلیل محتوای روایات امام رضا (علیه السلام) در باب توحید با محوریت کتاب عیون اخبار الرضا». فرهنگ رضوی. س ۹. ش ۳۴. صص: ۸۷-۱۲۱.
- هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). جواهرالبلاغه. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس. قم: الهادی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع اینترنتی

- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰). بیانات دراربعین حسینی. تاریخ ۱۴۰۰/۷/۵. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۳/۲۵.
- _____ (۱۴۰۰). دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم السلام). تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۳. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۳/۲۵.
- _____ (۱۴۰۰). دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری. تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۳/۲۵.

منابع لاتین

- Aboul-Enein, Youssef H. & Sherifa D Zuhur. (2004). Islamic Rulings on Warfare. *Strategic Studies Institute, US Army War College (SSI)*, Available in: <https://pubs-repository.s-3us-gov-west1.amazonaws.com/1693.pdf>.
- Bakircioglu, Onder. (2010). "A Socio-legal Analysis of the Concept of Jihad", *International and Comparative Law Quarterly*, Volume 59, Issue 2, pp 440–413.
- Huzen, Kent Bob. (2008). *Politics of Islamic Jihad*. A thesis submitted in fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Arts in Political Science, Christchurch: University of Canterbury.
- Khadduri, Majid. (1955). *War and Peace in the Law of Islam*. Baltimore: John Hopkins Press.



پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی